

چالشهای حکم کیفر حبس ابد

از منظر حقوق بین‌الملل کیفری*

- سیدقاسم زمانی^۱
- الناز نساری^۲

چکیده

افزایش توجه به موازین حقوق بشری پس از جنگ جهانی دوم بر روند اعمال مجازاتها در جامعه بین‌المللی تأثیری مستقیم و ملموس نهاد. نقطه عطف این تأثیر را در حذف مجازات اعدام در دادگاههای کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و روآندا می‌توان دید. با حذف مجازات اعدام نگاهها به مجازات حبس ابد و تأثیرات خاص آن معطوف گردید. گرچه این تأثیرات در برخی کشورها نمودی پررنگ‌تر یافت و به حذف مجازات حبس ابد منتهی شد، در جامعه بین‌المللی حذف آن با چالشهایی مواجه گردید. موافقان و مخالفان این کیفر دلیل عمده خود را موازین حقوق بشری می‌دانند. موافقان با توجه به شدت جرایم بین‌المللی و لزوم حمایت از بزه‌دیدگان این کیفر را مناسب می‌دانند در حالی که مخالفان با اصرار بر آثار وحشتناک حبس ابد، آن را

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۱۳.

۱. استادیار دانشگاه علامه طباطبایی (drghzamani@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل (نویسنده مسئول) (nesarielnaz@gmail.com).

مرگ تدریجی مجرم می‌شمارند. در این میان نظری بینابین نیز هست که در این جستار با تعدیلات و ملاحظاتی تأیید می‌شود.
واژگان کلیدی: دادگاههای کیفری بین‌المللی، حقوق بشر، حبس ابد، دیوان اروپایی حقوق بشر، کمیسیون حقوق بین‌الملل.

مقدمه

مجازات و کیفر از قدیمی‌ترین نهادهای بشری است که نه تنها هدف آن سرزنش و نکوهش رفتاری ناشایست است، بلکه تأکیدی است بر نظم و ارزشهای جامعه که باید رعایت شوند. ویژگی بارز این نهاد، ناخوشایند بودن آن برای کسی است که مجازات می‌شود. این ویژگی فلاسفه را برانگیخت تا توجیهاتی برای آن ارائه کنند. درباره فلسفه مجازات دو رویکرد آینده‌نگر یا غایت‌گرا (و به عبارتی پیامدگرا) و گذشته‌نگر یا واپس‌گرا مطرح می‌شود. در رویکرد نخست، مجازات به دلیل تأمین هدفی آتی و نتایج سودمند آن توجیه می‌شود، در حالی که رویکرد دوم به خطایی که مجرم مرتکب شده است، توجه دارد (کانتینگهام، ۱۳۸۴: ۱۴۷-۱۴۸). هر یک از این دو رویکرد مظاهری متفاوت دارند. معروف‌ترین مظهر رویکرد گذشته‌نگر نظریه تلافی‌جویانه است که ایده اصلی آن تاوان جرم می‌باشد. از جمله مظاهر رویکرد آینده‌نگر نیز نظریه تقلیل جرایم، بازپروری، اصلاح و درمان مجرم است. البته در مقابل این نظریات که به مجرم توجه دارند، نظریاتی نیز هست که مجازات را با توجه به قربانی جرم توجیه می‌کند؛ مانند نظریات «ارضای خاطر» و «جبران خسارت». در این جستار می‌کوشیم حبس ابد^۱ (یا حبسهای طولانی‌مدت) را که به یکی از مجازاتهای چالش‌برانگیز معاصر در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است، بررسی کنیم. بیشترین نزاع درباره این کیفر مربوط به جنبه‌های حقوق بشری آن است. در حالی که عده‌ای معتقدند مجرمان بین‌المللی باید از جامعه دور نگه‌داشته شوند و کیفر حبس ابد کیفری مناسب می‌نماید، بسیاری بر این باورند که حبس ابد نوعی مرگ تدریجی و مغایر با موازین حقوق بشری است. در این مجال، صرف‌نظر از دیدگاههای آرمان‌گرایانه حقوق بشری و با تأکید بر این مهم که اگرچه حقوق بشر

1. Life imprisonment.

حقوق ذاتی بشری است بسیاری از موازین آن در بستر زمان و مکان تبلور می‌یابند و پاسخی به نگرانی و نیاز جامعه بین‌المللی‌اند، در پی پاسخ به این پرسشیم:

آیا در جامعه بین‌المللی امروز مجازات حبس ابد (یا حبسهای طولانی مدت) مغایر با اصول حقوق بین‌الملل کیفری و به ویژه موازین حقوق بشری است؟ برای غلبه بر چالشهای موجود چه راهکارهای مؤثری می‌توان پیشنهاد کرد؟

در ادامه پس از توضیحی مختصر درباره روند اعمال مجازاتها در جامعه بین‌المللی، موقعیت حقوقی کیفر حبس ابد را با تمرکز بر رویه قضایی بین‌المللی در زمان حاضر تبیین می‌کنیم و سپس پیشنهادهایی را مطرح می‌سازیم.

حبس ابد در آینه تحولات بین‌المللی

ریشه تعقیب جرایم کیفری در عرصه بین‌المللی را در حقوق و عرفهای جنگی باید جست که به طرفین این اجازه را می‌داد تا یکدیگر را به دلیل توسل به ابزار و شیوه‌های جنگی ممنوع محاکمه کنند. پس از پایان جنگ جهانی اول تلاشها برای ایجاد نهادهای کیفری بین‌المللی به منظور تعقیب جرایم علیه حقوق ملتها و بشریت ناکام ماند تا اینکه قدرتهای متحد در سال ۱۹۴۵ اولین دادگاه بین‌المللی، دادگاه نورمبرگ^۱ را در پاسخ به جرایم شدید نازیها در طول جنگ جهانی دوم مانند جرایم جنگی، جرایم علیه صلح و بشریت، با موفقیت تأسیس کردند. پس از تشکیل این دادگاه، قدرتهای متحد در همان سال دادگاه توکیو^۲ را با هدف تعقیب جرایم ارتكابی در جنوب شرقی آسیا بنیان نهادند (Mulgrew, 2009: 376; Joseph, 2010: 252-255).

در اساسنامه دادگاههای نورمبرگ و توکیو علاوه بر ذکر مجازاتهای حبس مدت‌دار و ابد، به ترتیب در فصل ششم (مواد ۲۷-۲۸) و پنجم (ماده ۱۶) صراحتاً از مجازات اعدام نام برده شده است. مضمون این مواد مشابه است و چنین مقرر می‌دارد:

دادگاه علیه متهمان که مجرم شناخته شده باشند، کیفر مرگ یا هر کیفری را که مناسب تشخیص دهد، صادر خواهد کرد.

1. Nuremberg Tribunal.
2. Tokyo Tribunal.

در دادگاه نورمبرگ کمیته مرکب از وکلای هر چهار کشور پیروز جنگ، در اکتبر ۱۹۴۵، علیه ۲۴ افسر بلندپایه کیفرخواست صادر نمود و دادگاه طی ۲۱۶ روز فعالیت، ۱۲ حکم اعدام، ۷ حکم حبس (سه نفر حبس ابد، دو نفر حبس ۲۰ سال، یک نفر حبس ۱۵ سال، یک نفر حبس ۱۰ سال) و سه حکم برائت صادر کرد (رضوی فرد، ۱۳۹۰: ۱۳۳). دادگاه توکیو نیز در ۲۹ آوریل ۱۹۴۶ علیه ۲۸ ژاپنی کیفرخواست صادر کرد. در این دادگاه نیز احکام زیر صادر شد: ۷ اعدام، ۱۶ حبس ابد، یک حبس ۲۰ سال، یک حبس ۷ سال، سه حکم تبرئه (همان: ۱۳۴).

دادگاههای نورمبرگ و توکیو با رویکردی جدید به تقویت استانداردهای بین‌المللی، حقوق بین‌الملل کیفری را غنا و توسعه بخشیدند و بدین ترتیب شروعی تازه را برای سیستم عدالت کیفری بین‌المللی رقم زدند. با وجود این انتقادات بسیاری بر این دادگاهها وارد شد. انتقاد مبنایی آن بود که این دادگاهها طبق عدالت فاتحان جنگ پایه‌ریزی شده بودند. به علاوه بسیاری از اصول حقوقی مانند اصل «عطف به ماسبق نشدن»^۱ در این دادگاهها تا حدود زیادی نادیده گرفته می‌شد (Cryer, 2007: 102). افزون بر این استفاده از کیفر اعدام در این دادگاهها از مهم‌ترین انتقادات بود.^۲

پس از جنگ جهانی دوم با افزایش توجه به موازین حقوق بشری طیف گسترده‌ای از اسناد بین‌المللی با هدف تضمین حقوق بشر تصویب شدند؛ از جمله اعلامیه^۳

1. Non retroactivity.

۲. اصولاً مجازات اعدام برای جرایمی در نظر گرفته می‌شد که برای جامعه شدید محسوب می‌شدند. موافقان و مخالفان اعدام همواره بر ادله خود اصرار ورزیده‌اند. موافقان این کیفر معتقدند که مجازات اعدام برای جرایم شدید ضروری، عادلانه و عبرت‌انگیز است و اجرای آن ضامن حفظ نظم و امنیت است. در حالی که مخالفان اعدام با تأکید بر برگشت‌ناپذیری و ظالمانه بودن و مغایرت این کیفر با مبانی حقوق بشری ادعا می‌کنند که هیچ دلیلی بر عبرت‌انگیزی و ضروری بودن این کیفر نمی‌توان اقامه کرد.

۳. اگرچه اعلامیه‌ها از منظر حقوقی اسنادی نرم (soft law) محسوب می‌شوند، با توجه به این مهم که معمولاً این اسناد، همان طور که از عنوانشان برمی‌آید، بیان‌کننده و اعلام‌کننده اعتقادی از قبل موجود بوده و خاصیت اعلامی دارند، در بستر زمان اعتقاد به این اسناد سبب می‌شود از نظر محتوا به حقوق سخت و قوام‌یافته (hard law) تبدیل شوند. مهم‌ترین دلیل مبنی بر اعتقاد بین‌المللی کشورها به مبانی حقوق بشری در این است که هیچ کشوری (حتی کشورهای ناقض حقوق بشر) بر نقض این حقوق ادعان ندارند، بلکه تلاش به توجیه عدم نقض حقوق بشر دارند که این توجیه خود نشان از اعتقاد آنها به الزام‌آوری مبانی حقوق بشری است.

جهانی حقوق بشر^۱ و کنوانسیون جلوگیری و مجازات ژنوساید در سال ۱۹۴۸ و کنوانسیونهای چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹. نیز با بروز تحولات بین‌المللی، در ۱۶ دسامبر سال ۱۹۶۶ میثاقین (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. این مجمع در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ پروتکلی اختیاری درباره لغو مجازات اعدام به میثاق حقوق مدنی و سیاسی ضمیمه کرد. در اواخر دهه ۱۹۸۰ نیز کمیسیون حقوق بین‌الملل^۲ کار خود را بر روی سند پیش‌نویس جرایم علیه صلح و امنیت بشریت از سر گرفت. در سطح منطقه‌ای نیز معاهدات حقوق بشری متعددی تصویب شد؛ مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر و اعلامیه قاهره در خصوص حقوق بشر اسلامی (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۵۵-۶۰).

از جمله اصولی که در این اسناد تأکید شده است و ما نیز در این جستار بر آن انگشت می‌نهم، لزوم قانونی بودن، حفظ کرامت انسانی و ممنوعیت مجازاتهای وحشیانه و تحقیرکننده است (برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک: ابراهیمی، ۱۳۸۹). اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳ از برجسته‌ترین اسناد بین‌المللی است که این اصول را در بر دارند. همچنین این اصول در قانون اساسی بسیاری از کشورها نیز گنجانده شده‌اند (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۸۲: ۳۱-۳۴).

ماده ۶ میثاق فوق‌الذکر استفاده از مجازات اعدام را محدود نموده و بند ۴ این ماده حق درخواست عفو یا تخفیف مجازات را برای هر محکوم اعدامی شناسایی کرده است. به علاوه ماده ۱۰ میثاق بیانگر شیوه مناسب رفتار با زندانیان است که در بند ۳، هدف زندان را اصلاح و اعاده حیثیت اجتماعی زندانیان می‌داند.

1. Universal Declaration of Human Rights, (G.A. Res. 217A (III), 10 December 1948).

۲. این کمیسیون در سال ۱۹۴۶ تشکیل شد و مسئولیت توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین‌الملل را عهده‌دار گردید. مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۳۴ عضو این کمیسیون را با توجه به فهرستهای گروههای ملی و توزیع جغرافیایی عادلانه انتخاب می‌کند. از کشور ایران تا کنون دکتر احمد متین‌دفتری طی سالهای ۱۹۵۷-۱۹۶۱ و دکتر جمشید ممتاز طی سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۶ عضو کمیسیون حقوق بین‌الملل بوده‌اند (زمانی، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۷).

3. International Covenant on Civil and Political Rights.

تحولات بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و تفاسیری که حقوق‌دانان از این اسناد و اصول پیش نهادند، اعتقادی حقوقی را در جامعه بین‌المللی پدید آورد که تأثیری مستقیم بر مجازات‌ها نهاد. مهم‌ترین تأثیر حذف مجازات اعدام و جایگزینی مجازات حبس در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا^۱ بود. در این دادگاه‌ها بیش از ۱۰۰ نفر به دلیل ژنوساید، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی در طول درگیری‌های یوگسلاوی سابق و رواندا محکوم شدند (Holla, 2011: 411-414). تا ژوئن سال ۲۰۱۰، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا در ۱۱۱ مورد حکم به مجازات دادند که ۷۱ مورد در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و ۴۰ مورد در دادگاه رواندا بررسی شدند. در دادگاه یوگسلاوی سابق ۲ نفر^۲ و در دادگاه رواندا ۱۶ نفر به حبس ابد محکوم گردیدند.

طبق مواد ۲۳ و ۲۴ اساسنامه‌های دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا باید به شدت جرایم و اوضاع و احوال متهم توجه کرد. با وجود این متأسفانه تعریفی از معیارهای مربوط بیان نشده است. در بند اول این مواد آمده است: «دادگاه بدوی تنها کیفر حبس را مورد حکم قرار خواهد داد...».

دادگاه‌های مذکور و تفسیر اساسنامه آنها سه اثر مهم بر مجازات حبس داشتند:

۱- حذف مجازات اعدام در این دادگاه‌ها به دلیل پذیرفتنی نبودن این کیفر صورت گرفت. هم‌زمان جامعه بین‌المللی بر لزوم تعیین مجازاتی «متناسب» برای جرایم شدید بین‌المللی تأکید داشت و اساسنامه این دادگاه‌ها مجازات حبس را بدون اشاره به ابد یا مدت‌دار بودن آن مجازاتی متناسب در نظر گرفت.^۳

۲- دومین تأثیر پذیرش اساسنامه این دادگاه‌ها، اهمیت معیارهای حقوق

۱. دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا با توجه به قطعنامه‌های شورای امنیت و طبق فصل هفتم منشور ملل متحد تأسیس شدند، اگرچه این دو نهاد از ارکان فرعی ملل متحد هستند، عملاً مستقل فعالیت می‌کنند.

2. Stanislav Galić, Major General in the Bosnian Serb Army, Judgment, *Galić* (IT-98-29-A), Appeals Chamber, 30 November 2006; Milan Lukić, a paramilitary leader, Judgment, *Lukić & Lukić* (IT-98-32/1-T), Trial Chamber, 20 July 2009.

۳. البته بند الف ماده ۱۰۱ مقررات آیین دادرسی و ادله هر دو دادگاه ضمن تأکید حکم مجازات حبس مندرج در بند اول مواد ۲۳ و ۲۴ اساسنامه‌ها سقف این مجازات را تا حبس ابد تعیین می‌کند.

بین‌المللی بشر در تشخیص مجازاتهای متناسب است. نتیجه منطقی حذف مجازات اعدام به دلیل مغایرت با مبانی حقوق بشر سازگاری سایر مجازاتها از جمله حبس با اصول حقوق بشر است.

۳- سومین تأثیر غیر مستقیم اساسنامه این دادگاهها این بود که در سال ۱۹۹۴ دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق «قواعد بازداشت»^۱ را پذیرفت. در پیش‌نویس این قواعد تصریح شده است که این سند مبتنی بر رهنمونهای بین‌المللی مندرج در «قواعد ملل متحد در خصوص حداقل استانداردهای رفتار با زندانیان»، «اصول حمایت از همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا حبس ۱۹۸۸»^۲، «اصول اساسی برای رفتار با زندانیان ۱۹۹۰»^۳ و «قواعد حبس اروپا ۱۹۸۷»^۴ است. این قواعد نشان‌دهنده شناسایی جامعه بین‌المللی در لزوم دقت در رفتار با زندانیان است (Van Zyl Smit, 1999: 15-17).

دیوان کیفری بین‌المللی نیز در پی تحولات بین‌المللی تأثیراتی توجه‌برانگیز بر کیفر حبس نهاد. اساسنامه دیوان علاوه بر حذف مجازات اعدام، در خصوص کیفر حبس نیز تعدیلاتی را همچون در نظر گرفتن سقف ۳۰ سال، مقید کردن حبس ابد به وجود اوضاع و احوال خاص و شدت جرم ارتكابی و لزوم بازنگری در مجازات (موضوع ماده ۷۷ اساسنامه) در بر دارد.

بند ۱ ماده ۷۷ که مبنای اصلی مجازات حبس در اساسنامه رم است، مقرر می‌دارد:

۱- با رعایت اصل ۱۱۰ این اساسنامه، دادگاه می‌تواند یکی از مجازاتهای زیر را برای شخصی که به دلیل ارتكاب یکی از جرایم مذکور در ماده ۵ محکومیت یافته است، تعیین نماید:

الف- حبس به مدتی معین که بیش از ۳۰ سال نباشد.

ب- حبس ابد به شرط آنکه اهمیت جرم ارتكابی و همچنین اوضاع و احوال شخص محکوم علیه آن را ایجاب کند.

1. Rules of detention.
2. Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment.
3. Basic Principles for the Treatment of Prisoners, (G.A. Res. 45/111. 14 December 1990).
4. European Prison Rules.

بدین ترتیب کیفر حبس ابد که در دادگاه‌های نظامی نورمبرگ و توکیو، با توجه به قابلیت صدور حکم اعدام مجازاتی ثانوی به شمار می‌رفت، در پی تحولات بین‌المللی و نیاز جامعه بین‌المللی، با تأکید بر حذف کیفر اعدام در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا کیفر اصلی شد. دیوان کیفری بین‌المللی با افزودن قیدهایی همچون توجه به اهمیت جرم ارتكابی و اوضاع و احوال شخص محکوم علیه، شرایط تعیین این کیفر را محدودتر کرد. تحولات نیمه دوم قرن بیستم در بازنگری مجازات‌ها که حکایت از عزمی بین‌المللی داشت، تأکید بر بشری شدن حقوق از جمله حقوق بین‌الملل کیفری و نیز ادعای تعارض کیفر حبس ابد با اصول حقوق بین‌الملل کیفری، این دیدگاه را پیش نهاد که کیفر حبس ابد نیز مانند کیفر اعدام باید از فهرست مجازات‌های بین‌المللی حذف شود.

حبس ابد و اصول حقوق بین‌الملل کیفری

در ادامه با بررسی کیفر حبس ابد (یا حبس‌های طولانی‌مدت)^۱ در حقوق بین‌الملل کیفری، به این پرسش پاسخ خواهیم داد که آیا تعارضی میان این کیفر و اصول حقوق بین‌الملل کیفری وجود دارد یا خیر. در این باره با توجه به نگرانی عمیق جامعه بین‌المللی از رعایت نشدن موازین حقوق بشری و عدالت - چه از دید قربانیان جرم و چه مجرمان - از مدل دیوان اروپایی حقوق بشر استفاده می‌شود. این دیوان الگویی پیشرفته و مترقی است که نه بسیار آرمان‌گرایانه و دور از واقعیت‌های جامعه بین‌المللی معاصر عمل می‌کند و نه در عرض دادگاه‌های بین‌المللی امروزی.

۱. مسلماً نمی‌توان معیار و آستانه مشخصی را برای طولانی‌مدت بودن انتخاب کرد. بر طبق مطالعات، حبس‌های بیش از ۱۰ تا ۱۲ سال آثار ثانوی برگشت‌ناپذیری را بر جای می‌گذارند. البته در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یا دیوان اروپایی حقوق بشر مجازات‌های طولانی‌مدت این چنین تعریف نشده‌اند. به هر حال، دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا و یوگسلاوی سابق بسیاری از مجازات‌ها از جمله مواردی از حبس ابد را برای مدتی بیش از ۱۵ سال مقرر کردند (Scalia, 2011: 673)؛ برای مثال در پرونده کریستیچ (۱۹ آوریل ۲۰۰۴) و روتاگاندا (۲۶ مه ۲۰۰۳) شعبه استیناف حکم به چنین حبس‌هایی صادر کرد.

(Cf. Judgment, *Krstić* (IT-98-33-A), Appeals Chamber, 19 April 2004; Judgment *Rutaganda* (ICTR-96-3-A), Appeals Chamber, 26 May 2003).

دیوان اروپایی حقوق بشر از جمله نهادهای مقرر در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ مصوب سال ۱۹۵۰ است. تأثیر این دیوان بر اجرای حقوق بین‌الملل کیفری در دادگاههای کیفری بین‌المللی به ویژه دادگاههای کیفری بین‌المللی^۲ برای یوگسلاوی سابق و رواندا^۳ در برخی حوزه‌ها از جمله در اصول بنیادین، حقوق ماهوی (مانند تعریف شکنجه) و توقیفهای پیش از دادرسی بسیار چشمگیر بوده است (قائم‌مقام فراهانی، ۱۳۸۱: ۱۸۰-۱۸۱).

به طور کلی این دیوان تعیین ضوابط^۴ سه‌گانه تناسب،^۵ قانونی بودن^۶ و بشری بودن^۷ را برای قابلیت اعمال هر مجازاتی (از جمله حبسهای طولانی‌مدت و حبس ابد) لازم می‌داند.^۸ دیوان اروپایی حقوق بشر این اصول را تعریف و اعمال کرده است.

قانونی بودن

بر پایه اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها هیچ کس نباید محکوم یا مجازات شود مگر به دلیل نقض قاعده‌ای حقوقی. این اصل در ماده (۲) ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تبیین شده است. دادگاههای کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا نیز اعمال اصل قانونی بودن در حقوق بین‌الملل

۱. این کنوانسیون به منظور ضمانت اجرای قواعد خود سه رکن کمیسیون اروپایی حقوق بشر، دادگاه اروپایی حقوق بشر (دادگاه استراسبورگ) و کمیته وزیران را ایجاد کرد.

2. International Criminal Tribunals (ICTs).

۳. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) نیز لازم می‌داند که این دیوان اصول و قواعد حقوقی را در مطابقت با حقوق بشر شناخته شده بین‌المللی تفسیر و اجرا کند. مسلماً اصول و قواعد پذیرفته شده پرکارترین دادگاه حقوق بشری منطقه‌ای که صلاحیتش را ۴۷ عضو شورای اروپا پذیرفته اند، منبعی مهم برای دیوان بین‌المللی کیفری در زمان تحمیل مجازاتهاست.

4. Criteria.

5. Proportionality.

6. Legality.

7. Dehumanization.

۸. در زبان فرانسه از اصطلاح مخفف «P.L.D for Peines de Longue Duree» در تبیین مجازاتهای طولانی‌مدت استفاده می‌شود و اصول تناسب، قانونی بودن و بشری بودن در این مجازاتها باید رعایت شود.

کیفری را شناسایی کرده‌اند،^۱ در حالی که حداقل در حقوق بین‌الملل کیفری معاصر با توجه به تصریح اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری حبس ابد اصولاً مجازاتی قانونی است که در شرایطی خاص ممکن است به آن حکم شود.

تناسب

عنصر تناسب را از دو وجه می‌توان بررسی کرد: اول، لزوم تناسب میان کیفر و نتایج مجازات که در واقع بیشتر به مبانی اجتماعی و سودمندی مجازات‌ها اشاره دارد. دوم، وجود تناسب میان کیفر و جرم ارتكابی. این دو وجه را بررسی می‌کنیم:

تناسب کیفر و نتایج مجازات

مخالفان کیفر حبس ابد با تأکید بر عدم اثبات عملی و علمی بازدارندگی این مجازات اظهار می‌دارند که آثار توسل به کیفر حبس ابد در مقایسه با وحشتناکی و خشونت این کیفر تناسبی ندارد. در مقابل معتقدان به لزوم بقای کیفر حبس ابد بر این باورند که جرایم بین‌المللی جرایمی بسیار شدیدند و جامعه بین‌المللی و افکار عمومی نسبت به آن حساسند. به علاوه دور نگه داشتن مجرمان خطرناک از جامعه^۲ حمایتی از بزه‌دیدگان و جامعه بین‌المللی است.

تناسب کیفر و جرم ارتكابی^۳

دادگاه استراسبورگ به عنصر تناسب توجه داشت و در واقع رابطه علی و معلولی را

۱. در خصوص پرونده‌های مرتبط، ر.ک:

Blagojević and Jokić (IT-02-60-T), Trial Chamber, 17 January 2005; Judgment in Sentencing Appeals, *Tadić* (IT-94-1-T and IT-94-1Abis), Appeals Chamber, 26 January 2000; Sentencing Judgment, *Erdemović* (IT-96-22-T), Trial Chamber, 29 November 1996.

2. Desocialization.

۳. درباره پرونده‌هایی که به این موضوع اشاره دارند، ر.ک:

Weeks v. the United Kingdom, ECtHR (2 March 1987), Appl. No. 9787/82; *Stafford v. the United Kingdom*, ECtHR (28 May 2002), Appl. No. 46295/99; *Waite v. the United Kingdom*, ECtHR (10 December 2002), Appl. No. 53236/99; *Kafkaris v. Cyprus*, ECtHR (12 February 2008), Appl. No. 21906/04.

بر دو مبنا بررسی کرد: اثر تنبیهی مجازات و عنصر خطرناکی.^۱ اگر رابطه علی و معلولی موجودیت خود را از دست بدهد، حبسی که در ابتدا قانونی بود، خودسرانه به محرومیت از آزادی تغییر می‌یابد که در تعارض با ماده ۵ کنوانسیون است. بنابراین مجازات حبس ابد نیز باید در مرحله تحمیل و اجرا عادلانه و منصفانه باشد. در خصوص عادلانه بودن باید به معیارهایی چون شدت جرم توجه کرد. در پرونده‌هایی بسیار از جمله پرونده های کافکاریس،^۲ لژر،^۳ استافورد،^۴ ام. وی. ژرمنی^۵ قضات با استناد به شدت جرم ارتكابی، مجازات در نظر گرفته شده را متناسب یا غیر متناسب دانستند.

بشری بودن

اسناد حقوق بشری ملی و بین‌المللی در حمایت از کرامت انسانی، دو دسته از

۱. در بررسی عنصر تنبیهی مجازات بحث تلافی و کیفرسانی جایگاهی ویژه دارد. دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و روآندا بارها بیان کردند که این هدف برایشان بیشترین اهمیت را دارد. درباره پرونده‌های مرتبط، ر.ک:

Judgment, *Popović et al.* (IT-05-88-T), Trial Chamber, 10 June 2010; Judgment, *Milutinović et al.* (IT-05-87-T), Trial Chamber, 26 February 2009; Judgment, *Dragomir Milosević* (IT-98-29/1-T), Trial Chamber, 12 December 2007; Judgment, *Blagojević and Jokić* (IT-02-60-T), Trial Chamber, 17 January 2005; Judgment, *Delalić et al.* (IT-96-21-A), Appeals Chamber, 20 February 2001; Judgment, *Furundžija* (IT-95-17/1-T), Trial Chamber, 10 December 1998; Sentencing Judgment, *Erdemović* (IT-96-22-T), Trial Chamber, 29 November 1996.

2. *Kafkaris v. Cyprus*, supra note 33.

در این پرونده چندین مورد قتل عمد، موجب مجازات حبس ابد برای کافکاریس شد. دادگاه نتیجه گرفت که رابطه علی و معلولی میان مجازات و مدت آن وجود دارد و در نتیجه کیفری متناسب است.

3. *Léger v. France*, ECtHR (11 April 2006), Appl. No. 19324/02.

قضات این پرونده استدلال کردند که با توجه به ماهیت شدید جرایم ارتكابی این فرد، مجازات حبس ابد با اهداف ماده ۵ کنوانسیون متناسب است.

4. *Stafford v. the United Kingdom*, ECtHR (28 May 2002), Appl. No. 46295/99.

در این پرونده قضات با استدلالی مشابه (تحلیل متناسب بودن مجازات با شدت جرایم)، به این نتیجه رسیدند که ماده ۵ کنوانسیون نقض شده است.

5. *M. v. Germany*, ECtHR (17 December 2009), Appl. No. 19359/04.

در این پرونده قضات به این نتیجه رسیدند که با توجه به فقدان عناصر تنبیهی و خطرناکی، حبس فرد جایز نیست؛ چرا که شدت جرم ارتكابی دیگر دیده نمی‌شود.

مجازاتهای غیر انسانی و تحقیرآمیز را ممنوع اعلام می‌کنند: مجازاتهایی که به دلیل وقاحت ذاتی^۱ وحشیانه به شمار می‌روند؛ و کیفرهایی که اساساً یا به طور برجسته نامتناسب با جرایم ارتكابی اند.

تقریباً به وقاحت ذاتی کیفر حبس ابد توجه کمتری شده است. طبق تعریف وقاحت ذاتی هیچ کیفری نباید حرمت زندانیان را از بین ببرد.^۲ به جرئت می‌توان گفت که یکی از ارباب‌انگیزترین مجازاتها که در اساسنامه دادگاههای کیفری بین‌المللی روآندا (ماده ۲۳) و یوگسلاوی (ماده ۲۴) و دیوان کیفری بین‌المللی (ماده ۷۷) یاد شده است، کیفر حبس ابد است. به این کیفر بارها و به ویژه در دادگاه کیفری بین‌المللی روآندا حکم شده است و به احتمال زیاد دیوان کیفری بین‌المللی نیز به آن حکم خواهد کرد.

بسیاری از حقوق‌دانان و فعالان حقوق بشری حبس ابد را مجازاتی غیر بشری می‌دانند و طرفدار لغو آنند. گروهی از جمله پنسلانیا^۳ و لسکومس^۴ در فرانسه بر این باورند که این مجازات مرگ تدریجی فرد است (Jeffrey, 1979: 237). در جامعه بین‌المللی امروز که معتقد به ذاتی بودن حقوق بشری برای همه بشریت است، چه فرد محکوم به جنایت جنگی باشد یا نسل‌کشی، وجود مجازات حبس ابد چالش‌برانگیزتر می‌شود. لازم به ذکر است که این مجازات در بسیاری از کشورهای اروپایی همچون پرتغال، اسپانیا، نروژ و قبرس لغو شده است. طرفداران لغو این کیفر با تأکید بر عدم امکان اصلاح مجرمان محکوم به حبس ابد و لزوم رعایت موازین حقوق بشری، کیفر مزبور را مردود می‌دانند، در حالی که طرفداران این کیفر با تأکید بر این مهم که جرایم بین‌المللی نقضهای شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند و مرتکبان این جرایم مجرمانی بسیار خطرناک محسوب می‌شوند، حبس ابد

1. Intrinsic heinousness.

۲. گروهی معتقدند که کیفر حبس صرفاً آزادی فرد را محدود می‌کند و با حرمت وی در تعارض نیست. اما سؤال اینجاست که آیا این اعتقاد در خصوص کیفری مانند حبس ابد یا سایر حبسهای طولانی‌مدت نیز صادق است؟ معمولاً افرادی که محکوم به حبسهای طولانی‌مدت می‌شوند مشکلات شخصیتی و اختلالات عصبی پیدا می‌کنند که گاه منجر به خودکشی در زندانها شده است. پروفیسور جفری مرفی این کیفر را نوعی شکنجه آرام می‌داند و معتقد است که باید ممنوع شود (Jeffrey, 1979: 235).

3. Poncela.

4. Lascoumes.

را گامی مؤثر در دور کردن این گونه افراد از جامعه و احترام به حقوق بنیادین بشری بزه‌دیدگان قلمداد می‌کنند. لازم به ذکر است که دیوان اروپایی حقوق بشر هنوز مجازاتهای ابد را خلاف اصول خود ندانسته است.

در ادامه به منظور بررسی تأثیرات مبانی حقوق بشری بر کیفر حبس ابد به تبیین این مبانی در کمیسیون حقوق بین‌الملل می‌پردازیم.

حبس ابد در کمیسیون حقوق بین‌الملل

در دهه ۱۹۸۰ کمیسیون حقوق بین‌الملل^۱ پیش‌نویس «سند جرایم علیه صلح و امنیت بشری»^۲ را بررسی کرد. در سال ۱۹۹۰ گزارشگر مخصوص، ددو تیام^۳ از سنگال پیشنهادهایی را در خصوص مقررات مجازاتهای قابل اعمال مطرح کرد. در این مقررات «منصفانه بودن»^۴ مجازاتها عنصر اصلی بود. این مقررات مجازات اعدام را غیر منصفانه اعلام کرد، اما مجازات حبس ابد و سایر حبسها استثنا نشد.

در سال ۱۹۹۱ گزارشگر ویژه در نهمین گزارش خود توجه بیشتر کمیسیون حقوق بین‌الملل را به موضوع «مجازاتهای مناسب»^۵ جلب کرد. تیام در گزارش خود ضمن تأکید بر لزوم حذف مجازات اعدام، حبس ابد را برای مجرمان جرایم مندرج در سند (جرایم علیه صلح و امنیت بشریت) پیشنهاد کرد و البته بیان کرد که در صورت وجود دلایل مخفّفه این مجازات به حبس ۱۰ تا ۲۰ سال می‌تواند تغییر یابد.^۶ وی می‌گوید:

علی‌رغم مباحثات افرادی که اعتقاد دارند کیفر حبس ابد اصلاح و بازگشت مجرم را به جامعه غیر ممکن می‌سازد، باید گفت تصور اینکه حداکثر مجازات برای جرایم بین‌المللی شدید در این سند، حبس مدت‌دار مانند حبس مجرمان عادی باشد خیلی سخت است. با توجه به حذف مجازات مرگ حذف حبس ابد

1. International Law Commission.
2. Code of Crimes against the Peace and Security of Mankind.
3. Doudou Thiam.
4. Fairness.
5. Suitable penalties.
6. Ninth Report on the Draft Code of Crimes Against the Peace and Security of Mankind (1991) 2 (1) Y.B. Int'l L. Comm., n 37-44, U.N.Doc A/CN. 4/435 and Add 1.

بسیار چالش برانگیز به نظر می‌رسد.

تعداد قابل توجهی از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل، مخالفت خود را با کیفر حبس ابد اظهار داشتند. مهم‌ترین این اعضا از امریکای جنوبی بودند. دو مبنای مهم مخالفت آنان با این کیفر عبارتند از:

۱- این کیفر در حقوق ملی برخی دولتها برای جرایم بسیار شدید هم اعمال نمی‌شود، بنابراین کیفری شایسته، جامع و مانع نیست.

۲- این مجازات مانعی برای اصلاح^۱ و بازگردانی مجرم به جامعه است. دولتهای دیگر نیز از این نظریه که مجازات حبس ابد با اصول حقوق بشر در تعارض است، حمایت کرده‌اند.

دیگر اعضای کمیسیون که موافق و طرفدار کیفر حبس ابد بودند در پاسخ به مخالفان، دلایل خود را بر سه مبنا استوار می‌کردند: نیاز به کیفری متناسب، بازدارنده و ناتوان‌کننده مجرمان.

نکته جالب توجه اینکه اینان نیز مبنای دلایل خود را لزوم رعایت حقوق بشر می‌دانند؛ چرا که با توجه به حذف مجازات اعدام، این کیفر تنها کیفر مناسب برای جلوگیری از ارتکاب مجدد جرایم شدید و وحشیانه و حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی است. از دید اینان حمایت جامع از اصول حقوق بشری بزه‌دیدگان^۲ و جامعه بین‌المللی نیاز به مجازات حبس ابد را روشن می‌سازد. اینان معتقدند که هر چند مجرمان بین‌المللی از مجازات مرگ معاف شدند، نباید بستری فراهم کرد که دوباره به جامعه باز گردند. بسیاری از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل از جمله آرنجیو روئیز^۳ از ایتالیا نیز ضمن تقبیح کیفر مرگ، مجازات حبس ابد را با توجه به شدت جرایم تنها راه مؤثر برای جلوگیری از بازگشت

۱. اگرچه اسناد حقوق بشری در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای مقرر می‌دارند که اصلاح مجرمان باید یکی از دغدغه‌های اصلی دادگاهها باشد، دادگاههای بین‌المللی کیفری معمولاً به این موضوع توجه خاصی نداشته‌اند و معمولاً این موضوع بارها تأکید می‌شود که دو هدف اصلی مجازات جرایم بین‌المللی بازدارندگی و سزادهی است.

۲. در این باره باید دقت داشت که در واقع در جرایم بین‌المللی جامعه بین‌المللی و بشریت بزه‌دیده‌اند.

3. Arangio Ruiz.

مجرمان که عناصری خطرناک به شمار می‌روند، به جامعه می‌داند.^۱

در میان موافقان و مخالفان کیفر حبس ابد نظر بینابینی نیز وجود دارد. بنا بر این نظر، کیفر حبس ابد تنها در صورتی پذیرفتنی است که همراه با مقرراتی انعطاف‌پذیر در تحمیل و اجرای آن باشد و در صورتی این کیفر باید اعمال و اجرا شود که هیچ امکانی برای تخفیف وجود نداشته باشد. اگرچه برخی از اعضای کمیسیون نیز به این نظر اشاره داشتند، متأسفانه تحلیلی عملی و دقیق از آن بیان نکردند.

در فرجام، مباحثات کمیسیون حقوق بشر موضوع مجازات حبس ابد را حل‌نکرده و نهاد و همچنان کیفری قابل اعمال مطرح ماند. البته باید توجه کرد که مباحثات مذکور موضوع حبس ابد را به چالش بیشتر کشید و زمینه را برای تعدیل آن فراهم ساخت.

تعدیل مجازات حبس ابد

اصولاً مجازاتها پس از گذشت زمانی مشخص تعدیل پذیرند،^۲ هرچند تعیین این زمان در قوانین و نیز در عمل مبهم می‌نماید.^۳ قدر مسلم آن است که امکان تعدیل مجازاتها باید در محکمه‌ای بی طرف و مستقل بررسی شود و تصمیم این محکمه قابل فرجام‌خواهی باشد. سؤالی که همیشه در ذهن حقوق‌دانان مطرح می‌شود این است که آیا امکان تعدیل مجازاتهای وضع شده توسط دادگاههای بین‌المللی کیفری، از جمله حبسهای طولانی مدت، به ویژه حبس ابد وجود دارد یا خیر؟

1. Ninth Report on the Draft Code of Crimes Against the Peace and Security of Mankind (1991) 2 (1) Y.B. Int'l L. Comm., n 45-55, U.N. Doc A/CN.4/435 and Add 1.

۲. در حقوق داخلی بسیاری از کشورها از جمله ایران، موضوع تعدیل مجازاتها در قوانین کیفری مدنظر قرار گرفته و از دو نوع کیفیات مخففة قانونی و قضایی سخن رفته است (اردبیلی، ۱۳۷۷: ۱۹۹). اما در حقوق بین‌الملل کیفری، به دلیل نوپا بودن این نظام نه تنها تقسیم‌بندی مذکور وجود ندارد، بلکه حتی وجود اصل امکان تعدیل مجازاتها نیز محل مناقشه است.

۳. برخی معتقدند این حق زمانی قابل اعمال است که عنصر تنبیهی بودن مجازات تحقق یافته باشد. اما موضوع مهم‌تر این است که زمان دقیق تحقق این عنصر مشخص نیست و رویه قضایی و حقوق موضوعه نیز در این باره موضع ثابتی ندارند.

۱. تعدیل مجازات حبس ابد در دادگاههای بین‌المللی

دیوان اروپایی حقوق بشر حق تعدیل مجازاتها را در ماده ۵ کنوانسیون شناسایی کرده است. دادگاههای یوگسلاوی سابق و رواندا نیز به ترتیب در قواعد ۱۲۳-۱۲۵ و ۱۲۴-۱۲۶ آیین دادرسی و ادله خود، امکان عفو و آزادی زودهنگام را فراهم ساخته‌اند.^۱ هر دو دادگاه در این باره امکان عفو و آزادی فرد محکوم را ابتدا منوط به پیش‌بینی این امکان در قوانین ملی کشور محل گذران حبس می‌دانند، اما تصمیم نهایی را تنها رئیس دیوان می‌گیرد. اساسنامه‌های این دادگاهها نیز به ترتیب در مواد ۲۸ و ۲۷ خود به امکان عفو و تخفیف مجازاتها اشاره دارند، اما هیچ یک تجدیدنظر خودکار بر مجازاتها را پیش‌بینی نکرده‌اند. در نتیجه در مواردی که این دادگاهها فردی را محکوم به زندان می‌کنند و در قانون داخلی کشور محل گذران محکومیت، تجدیدنظر خودکار بر مجازاتها مقرر نشده باشد، در تعارض با رویه دیوان اروپایی حقوق بشر خواهد بود.

در عمل، رویه قضایی دو رویکرد را در این باره تجربه کرده است: در رویه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، سه نفر از محکومان به نامهای راژیو،^۲ سراساگو^۳ و روتاگانیرا^۴ چنین درخواستی داشته‌اند. در هر سه پرونده، تعدیل مجازات رد شد. این در حالی است که در خصوص دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، با رویه پیشرفته‌تری مواجهیم و در پرونده‌های بسیاری ریاست دادگاه با درخواست آزادی زودهنگام موافقت کرد. درباره این گونه موافقتها چندین شرط اهمیت دارد؛ از جمله: قطعی بودن کیفر حکم شده در دادگاه، ابراز ندامت محکوم، امکان اصلاح، تساوی میان محکومان (سایر زندانیان نیز در اوضاع و احوال مشابه از حق تعدیل مجازات برخوردارند)، رفتار محکوم در طول اجرای مجازات، نظر قضاتی که متهم را محکوم به مجازات کردند، نظر دادستان و همکاری با دادستان.

۱. دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی در ۱۵ اگوست سال ۲۰۰۶ دستورالعملی در خصوص آیین تقاضای عفو، تخفیف مجازات و آزادی زودهنگام برای افرادی که در این دادگاه محکوم شده‌اند، منتشر ساخت. دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا نیز دستورالعمل مشابهی را در ۱۰ مه سال ۲۰۰۰ منتشر کرده بود.

2. Ruggiu.

3. Serushgo.

4. Rutaganira.

۲. تعدیل مجازات حبس ابد در دیوان بین‌المللی کیفری

در طول اقدامات مقدماتی برای اساسنامه رم حبس ابد مجادلات و مباحثات بسیاری را برانگیخت. برخی اعضای کمیسیون و مسئول نگارش پیش‌نویس ماده ۷۷ اساسنامه، بیان کردند که حبس ابد با هنجارهای حقوق بشری معاصر و به ویژه با کرامت انسانی در تعارض است. این ادعاها دوباره در کمیته مقدماتی برای ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۶ مخصوصاً از طرف دولت سوئد بیان شد و پس از آن بسیاری از کشورهای دیگر نیز اظهارات مشابهی را اعلام کردند که همگی حکایت از ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز بودن حبس ابد داشت. کشورهای شیلی، کوبا، رژیم صهیونیستی، مکزیک، اسپانیا، پرتغال و ونزوئلا در طول کنفرانس دیپلماتیک رم بر این رویکرد تأکید ورزیدند. برخی کشورها همچون قطر و عربستان سعودی مجازات حبس ابد را با توجه به خصوصیت نامعین بودن آن رد کردند. با وجود این، مجازات حبس ابد در اوضاع و احوال خاص پذیرفته شد. در دیوان کیفری بین‌المللی، برای حکم به حبس ابد، شدت جرم باید مد نظر قرار گیرد.^۱ به علاوه، بر خلاف اساسنامه‌های دادگاه کیفری بین‌المللی روآندا و یوگسلاوی، اساسنامه رم با لازم دانستن بازبینی‌های دوره‌ای مجازات‌های ابد، موجب تعدیل خصوصیت کاهش‌ناپذیری حبس ابد شد. این پیشرفت منطبق با رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر است (Schabas, 2006: 342).

در خصوص مجازات‌های بلندمدت لازم است که ماده ۷۷ با توجه به ماده ۱۱۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تفسیر شود. ماده اخیر بیان می‌دارد: «دادگاه حق هرگونه کاهش مجازات را دارد».

نیز این مقررہ این تعهد را برای دادگاه در پی دارد که در صورتی که فرد دوسوم محکومیت خود یا ۲۵ سال از مدت حبس ابد را گذرانده باشد، دادگاه باید در مجازات بازبینی کند و درباره کاهش یا عدم آن تصمیم بگیرد. این بازبینی نباید پیش از این مدت روی دهد. این مقررہ سبب تعدیل خصوصیت درازمدت یا ابد بودن مجازات‌های قضات می‌شود (شبت، ۱۳۸۴: ۱۸۴-۱۸۶). به نظر می‌رسد پیش‌بینی موارد تعدیل مجازات در

۱. دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و روآندا نیز کیفر حبس ابد را برای همه جرایم اعمال نکردند و عمدتاً برای جرم ژنوساید و در برخی موارد و اوضاع خاص به آن حکم کردند.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی منطبق با هنجارهای حقوق بشری، مخصوصاً هنجارهای برآمده از رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر باشد. اگرچه اساسنامه رم امکان حبس ابد را بدون عفو منتفی ندانسته است، ایجاد بازبینیهای دوره‌ای اجباری، پیشرفتی قابل ملاحظه را در حقوق بین‌الملل کیفری ایجاد کرده است.

لازم به ذکر است که زندان صرفاً مکانی برای سلب آزادی مجرمان نیست و ویژگی اصلاح‌کنندگی آن را نباید از یاد برد. به نظر نگارنده، اگرچه دیوان بین‌المللی کیفری در ماده ۱۱۰ اساسنامه بررسی مجدد مجازاتها را پس از گذران دوسوم از کیفر یا ۲۵ سال از حبس ابد پیش‌بینی کرده و به علاوه مقرر داشته است که تصمیم بر عدم کاهش مجازات باید در دوره‌هایی معین که در آیین دادرسی و ادله پیش‌بینی شده است و با توجه به معیارهای مذکور در آن بازبینی شود (مقررات آیین دادرسی و ادله، مواد ۲۲۳-۲۲۴)، بهتر است با توجه به شرایط خاصی که ممکن است مجرمان داشته باشند (از قبیل سن، سلامتی، شرایط روحی و روانی، حسن خلق مجرم و...) امکان کاهش مدت مذکور در ماده ۱۱۰ اساسنامه را فراهم داشت. بنابراین می‌توان امکان تعدیل مجازات را پیش از این مدت نیز قرار داد. مدل پیشنهادی این است که بررسی اوضاع و احوال پیش از مدت مذکور را در دفاعتی محدود و مشخص به منظور جلوگیری از درخواستهای مکرر-بنا به درخواست مجرم، دادستان یا کشور محل گذران محکومیت قرار داد و دادگاهی را موظف به بررسی درخواست کرد و نهایتاً در صورت رد درخواست با گذراندن مدت مذکور دادگاه را ملزم به بررسی امر، صرف نظر از وجود یا عدم وجود درخواستی دانست. به علاوه توصیه می‌شود که این درخواستها به هیئت منصفه‌ای مرکب از وکلای بین‌المللی، نمایندگان سازمانهای حقوق بشری و کارشناسان امر ارجاع شود و این کمیته بر رویه دادگاه در بررسی موضوع و لزوم صدور نظری مستند نظارت داشته باشد.

نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل کیفری یکی از شاخه‌های نوپای حقوق بین‌الملل است که توسعه و تحول بسیاری یافته است. این حقوق در ارتباطی تنگاتنگ و مستقیم با مبانی حقوق بشر است. پس از تحولات جامعه بین‌المللی و به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم و

توسعه پارادایم بشرمحور در جامعه بین‌المللی، توجه به انسانها در مرکز ملاحظات بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی قرار گرفت. موازین حقوق بشری آماج بررسیهای گسترده حقوق‌دانان قرار گرفت و جامعه بین‌المللی در اسناد متعدد از جمله اعلامیه‌ها، میثاقها و معاهدات بین‌المللی بر اعتقاد خود بر این موازین تأکید کرد. این اعتقاد حقوقی تأثیری مستقیم بر مجازاتها نهاد. مهم‌ترین این تأثیرات، پس از چالشهای فراوان، حذف مجازات اعدام به عنوان مجازات غیر بشری، به ویژه در دیوانهای کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا بود.

پس از کیفر اعدام، توجه جامعه بین‌المللی به کیفر حبس ابد که احتمالاً مجازاتی جانشین برای کیفر لغوشده اعدام به شمار می‌آید، جلب گردید که اتفاقاً چالشهایی نیز در خصوص این کیفر در جامعه بین‌المللی ایجاد شده است. در این راستا دو رویکرد عمده در جامعه بین‌المللی وجود دارد و مبنای کلی هر دو رویکرد موازین حقوق بشری است. موافقان حبس ابد با تأکید بر ویژگی ذاتی جرایم بین‌المللی که جرایمی بسیار شدیدند، معتقدند که حذف مجازات اعدام، لزوم جلوگیری از ارتکاب مجدد جرایم شدید و وحشیانه، حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی و حمایت از اصول حقوق بشری بزه‌دیدگان، نیاز به مجازات حبس ابد را روشن می‌سازد. به علاوه، این گروه معتقدند که گرچه مجرمان بین‌المللی از مجازات مرگ معاف شده‌اند، نباید بستری برای بازگشت دوباره آنها به جامعه فراهم کرد. این در حالی است که مخالفان کیفر حبس ابد علاوه بر اشاره به مردد بودن این کیفر در جامعه بین‌المللی و حتی جامعه ملی کشورها آن را مرگ تدریجی زندانی می‌دانند و با تأکید بر مغایرت آن با موازین حقوق بشری آن را مانعی در اصلاح و بازگردانی مجرم که بشری با کرامت ذاتی است، به شمار می‌آورند. البته در این میان نظری بینابین نیز وجود دارد که بر پایه آن، حبس ابد تنها در صورتی پذیرفتنی است که همراه با مقرراتی انعطاف‌پذیر در تحمیل و اجرای کیفر باشد و در صورتی این کیفر باید اعمال و اجرا شود که هیچ جایی برای تخفیف وجود نداشته باشد.

با نگاهی واقع‌بینانه باید گفت که اصولاً اعتقاد و فرهنگ جامعه نقشی کلیدی در چندی و چونی مجازاتهای آن دارد و بررسی حقوقی کارآمد در گرو موفق بودن

بررسی جامعه‌شناسانه است. اگرچه کیفر حبس ابد در بسیاری از جوامع ملی زیر سؤال رفته و گاه حذف شده است، در واقع این کیفر در سطح بین‌المللی باید در ظرف جامعه بین‌المللی و جامعه منسوب به آن سنجیده شود. در این جامعه توسعه مبنای و موازین حقوق بشری باعث شده است حساسیت جامعه نسبت به نقض این حقوق بیشتر برانگیخته شود. جرایم بین‌المللی نیز جرایمی بسیار شدیدند که اصولاً جامعه بین‌المللی را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهند تا حدی که بزه‌دیدگان این جرایم را دیگر محدود به جغرافیای محل وقوع جرم نمی‌دانند بلکه جامعه بین‌المللی به تمامی از این گونه جرایم و نقض موازین بنیادین خود (حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر) متأثر می‌گردد. به نظر می‌رسد در این جامعه، حکم به کیفر حبس ابد، نه تنها با آثار بازدارندگی، سزادهی و دور کردن مجرم از اجتماع همراه است، بلکه اقناع وجدان عمومی بین‌المللی را نیز در پی دارد.

با وجود این بزه‌کاران، افرادی بشری با کرامت ذاتی‌اند و در اعمال مجازاتها باید به این مهم توجه کرد. اصول اساسی حقوق کیفری در اعمال هر مجازاتی که شامل قانونی بودن جرم و مجازات، تناسب کیفر و جرم ارتكابی و تناسب کیفر با نتایج آن است، در خصوص کیفر حبس ابد نیز باید ملاحظه شوند. به علاوه موازین حقوق بشری در این راستا نقشی تعیین‌کننده دارند. با این حال در جامعه بین‌المللی معاصر علی‌رغم تفسیر مضیق و به نفع متهم از اصول قانونی و در نظر گرفتن عوامل مخففه، گاه صدور مجازات حبس ابد برای برخی مجرمان شدید بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، در این خصوص باید با پیش‌بینی تمهیداتی در راستای مدل پیشنهادشده و با تأکید بر مبنای رفتار با زندانیان و قرار دادن شروطی همچون رفتار مناسب مجرم در دوران حبس، توجه به وضعیت سلامتی و خانوادگی وی و سایر اصول روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، امکان تعدیل مجازات او پس از محکومیت فراهم شود.

به نظر می‌رسد امروز در جامعه بین‌المللی می‌توان به حبس ابد حکم کرد و حتی آن را به صورت کامل به اجرا درآورد و قاعده‌ای به منظور تضمین آزادی زود هنگام مجرم وجود ندارد، که البته با توجه به تحلیل صورت گرفته امید می‌رود شاهد تعدیلاتی در این باره در جامعه بین‌المللی باشیم.

کتاب شناسی

۱. آقایبی جنت مکان، حقوق کیفری بین المللی، تهران، دانشور، ۱۳۸۲ ش.
۲. ابراهیمی، محمد، تبیین موضوعی ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیر انسانی در نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، خرسندی، ۱۳۸۹ ش.
۳. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، ۱۳۷۷ ش.
۴. رضوی فرد، بهزاد، حقوق بین الملل کیفری، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۵. شبت، ویلیام، مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین المللی، ترجمه سیدباقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، تهران، جنگل، ۱۳۸۴ ش.
۶. قائم مقام فراهانی، سیدعبدالمجید، رویه‌های قضایی حقوق بشر اروپایی، تهران، آوای نور، ۱۳۸۱ ش.
۷. کانتینگهام، جان، «فلسفه مجازات»، ترجمه ابراهیم باطنی و محسن برهانی، مجله فقه و حقوق، سال اول، شماره چهارم، بهار ۱۳۸۴ ش.
۸. والاس، ربکا، حقوق بین الملل، ترجمه سیدقاسم زمانی و مهناز بهراملو، چاپ دوم، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۷ ش.
9. American Convention on Human Rights, adopted Nov. 22, 1969.
10. Basic Principles for the Treatment of Basic Principles for the Treatment of Prisoners, G. A. Res. 45/111, 14 December 1990.
11. Basic Principles for the Treatment of Prisoners, G. A. Res. 45/111, 14 December 1990.
12. Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment, G. A. Res. 43/173, 9 December 1988.
13. Cryer, Robert & Hakan Friman & Darryl Robinson & Elizabeth Wilmshurst, *An Introduction to International Law and Procedure*, Cambridge, New York, 2007.
14. European Convention for the Prevention of Torture and Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (CPT) (1988).
15. Hola, Barbora & Alette Smeulers & Catrien Bijveld, "International Sentencing Facts and Figures, Sentencing Practice at the ICTY and ICTR", *Oxford Journal of International Criminal Justice*, Vol. 9(4), Sep 2011.
16. International Convention Against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, G. A. Res 39/46, 10 December 1948.
17. Joseph, Sarah & Adam McBeth, *Research Handbook on International Human Rights Law*, Edward Elgar Publishing, Massachusetts, 2010.
18. Judgment in Sentencing Appeals, *Tadić* (IT-94-1-T and IT-94-1Abis), Appeals Chamber, 26 January 2000.
19. Judgment *Léger v. France*, ECtHR (11 April 2006), Appl. No. 19324/02.
20. Judgment, *afkaris v. Cyprus*, ECtHR (12 February 2008), Appl. No. 21906/04.
21. Judgment, *Blagojević and Jokić* (IT-02-60-T), Trial Chamber, 17 January 2005.

22. Judgment, *Erdemović* (IT-96-22-T), Trial Chamber, 29 November 1996.
23. Judgment, *Krstić* (IT-98-33-A), Appeals Chamber, 19 April 2004.
24. Judgment, *M v. Germany*, ECtHR (17 December 2009), Appl. No. 19359/04.
25. Judgment, *Rutaganda* (ICTR-96-3-A), Appeals Chamber, 26 May 2003.
26. Judgment, *Stafford v. the United Kingdom*, ECtHR (28 May 2002), Appl. No. 46295/99.
27. Judgment, *Waite v. the United Kingdom*, ECtHR (10 December 2002), Appl. No. 53236/99.
28. Judgment, *Weeks v. the United Kingdom*, ECtHR (2 March 1987), Appl. No. 9787/82.
29. Mulgrew, Roisin, "On the Enforcement of Sentences Imposed by International Courts", *Oxford Journal*, Vol. 59, 2009.
30. Ninth Report on the Draft Code of Crimes Against the Peace and Security of Mankind (1991) 2 (1) Y.B. Int'l L. Comm, n 37-44, U.N.Doc A/CN. 4/435 and Add 1.
31. Scalia, Damien, "Long-Term Sentences in International Criminal Law", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 9(3), 2011.
32. Schabas, William A., *The UN International Criminal Tribunals The former Yugoslavia Rwanda and Sierra Leona*, Cambridge University Press, 2006.
33. Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners, 31 July 1957.
34. Universal Declaration of Human Rights, G. A. Res. 217A (III), 10 December 1948.
35. Van Zyl Smit, Dirk, "Life Imprisonment as the Ultimate Penalty in International Law: A Human Rights Perspective", *Criminal Law Forum*, Vol. 9, No. 5, 1999.

